

چاپخانه

سرشناسه: عابدی، کامیار، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور:

مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده بیستم میلادی / کامیار عابدی

مشخصات نشر:

تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۱۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۲-۴۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۹۷] - ۵۰۸.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها

موضوع: شاعران ایرانی -- قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۷ع ۲م ۱۱/۳۸۱۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲۰۹/۱۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴-۲۶۹۸۶ م

# مقدمه‌ای بر شعر فارسی

در سده بیستم میلادی

کامیار عابدی

چاه‌کتاب

انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری

## جهان‌کتاب

مقدمه‌ای بر شعر فارسی

در سده بیستم میلادی

کامیار عابدی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

تهران. صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۲۰-۷۷۶۴۲۵۱۹

email: [info@jahanekebab.ir](mailto:info@jahanekebab.ir)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۲-۴۳-۵

۲۸۰۰۰ تومان

ای روزهای بی قرارتر  
[سال‌های «مجتمع آموزش عالی دهخدا»]  
زمستان ۱۳۶۷ - تابستان ۱۳۷۱]

...

«دورهاگم  
سطح‌ها شسته  
و نگاه از همه شب نازک‌تر»\*

\* هشت کتاب (سهراب سپهری، طهوری، ۱۳۵۵، صص ۳۳۴ - ۳۳۳).



## فهرست

○ پیش‌سخن..... ۱۱

### ■ بخش نخست: چشم‌اندازی سیاسی و اجتماعی از ایران

- فصل ۱. پس از حکومت صفوی ..... ۱۹  
 فصل ۲. انقلاب مشروطه و افول پادشاهی قاجار ..... ۲۳  
 فصل ۳. برآمدن رضاشاه ..... ۲۹  
 فصل ۴. جنگ جهانی دوم و میدان تکاپوهای سیاسی ..... ۳۳  
 فصل ۵. سقوط دولت ملّی و پی‌آمدهای آن ..... ۳۷  
 فصل ۶. پیدایی انقلاب و حکومت دینی ..... ۴۱  
 فصل ۷. پس از جنگ هشت ساله ..... ۴۷

### ■ بخش دوم: تحلیلی تاریخی — جریان‌شناختی از شعر فارسی

- فصل ۱. شعر بازگشت: تکرار سنت‌ها (نیمه سده هیجدهم میلادی)..... ۵۱  
 شعر و شاعران در دوره زند (۵۱)، شعر و شاعران در دوره قاجار (۵۵)  
 فصل ۲. شعر مشروطه: انقلاب در مفهوم‌ها (۱۲۸۵)..... ۶۳  
 جریان غالب شعر (۶۳)، کوشش‌های نوآورانه در شعر (۶۸)، جریان‌های حاشیه‌ای شعر (۷۳)  
 فصل ۳. شعر سنت‌گرا: پیمان با گذشته (۱۳۰۴)..... ۸۱  
 شعر و شاعران در دوره رضاشاه (۸۱)، کوشش‌های نوآورانه در شعر (۸۷)  
 فصل ۴. شعر نیما یوشیج: پیام عصر نو (۱۳۲۰)..... ۹۳  
 نیما و موقعیت شعر نیمایی (۹۳)، جریان نوگرایی اعتدالی در شعر (۹۸)، نخستین شاعران  
 نیمایی (۱۰۲)، گردهم‌آیی و نشریه‌های مرتبط با شعر (۱۰۵)، کوشش‌های نوآورانه دیگر در  
 شعر (۱۰۷)، شعر و شاعران سنت‌گرا (۱۱۲)  
 فصل ۵. شعر شاگردان نیما یوشیج: گسترش تخیل، غنای زبان (۱۳۳۲)..... ۱۱۹  
 شاگردان مستقیم نیما در شعر (۱۱۹)، فروغ فرخزاد و شاعران زن (۱۲۴)، نسل دوم شاعران  
 نیمایی (۱۲۶)، حرکت از شعر نیمایی به سوی شعر منشور (۱۳۲)، نشریه‌های مرتبط با شعر

- (۱۳۶). پیوند شعر نو با جریان مبارزه علیه محمدرضا شاه (۱۳۹). احیای سنت‌های ادبی در شعر: غزل نو (۱۴۶). جریان تحلیل، بررسی و نقد شعر (۱۵۴)
- فصل ۶. شعر فارسی در چهارراه تردید (۱۳۵۷)..... ۱۵۹
- شعر نو؛ از سیاست به مهاجرت (۱۵۹). شعر نو؛ از سیاست به فردیت (۱۶۵). شکل‌گیری شعر انقلابی - دینی (۱۷۰). شعرگویی برای کودکان و نوجوانان (۱۷۸). جریان تحلیل، بررسی و نقد شعر (۱۸۰)

■ بخش سوم: شناختی نمونه‌وار از شعر و شاعران

- فصل ۱. ادیب‌الممالک فراهانی ..... ۱۸۵
- زندگی شاعر (۱۸۵). نمونه شعر: برخی‌ز شتربانان (۱۸۶). تحلیلی از شعرها (۱۸۸)
- فصل ۲. اشرف‌الدین نسیم شمال ..... ۱۹۳
- زندگی شاعر (۱۹۳). نمونه شعر: ای وای وطن وای (۱۹۴). تحلیلی از شعرها (۱۹۵)
- فصل ۳. ایرج میرزا ..... ۲۰۱
- زندگی شاعر (۲۰۱). نمونه شعر: مادر (۲۰۲). تحلیلی از شعرها (۲۰۲)
- فصل ۴. عارف قزوینی ..... ۲۰۹
- زندگی شاعر (۲۰۹). نمونه شعر: پیام پیر می‌فروش (۲۱۰). تحلیلی از شعرها (۲۱۱)
- فصل ۵. ملک‌الشعراى بهار ..... ۲۱۹
- زندگی شاعر (۲۱۹). نمونه شعر: دماوندیه (۲۲۰). تحلیلی از شعرها (۲۲۳)
- فصل ۶. ابوالقاسم لاهوتی ..... ۲۲۹
- زندگی شاعر (۲۲۹). نمونه شعر: میهن ای میهن (۲۳۰). تحلیلی از شعرها (۲۳۱)
- فصل ۷. فرخنی یزدی ..... ۲۳۷
- زندگی شاعر (۲۳۷). نمونه شعر: آزادی (۲۳۸). تحلیلی از شعرها (۲۳۸)
- فصل ۸. میرزاده عشقی ..... ۲۴۳
- زندگی شاعر (۲۴۳). نمونه شعر: ای وطن، ای عشق پاک (۲۴۴). تحلیلی از شعرها (۲۴۵)
- فصل ۹. نیما یوشیج ..... ۲۵۱
- زندگی شاعر (۲۵۱). نمونه شعر: می‌تراود مهتاب (۲۵۲). تحلیلی از شعرها (۲۵۴)
- فصل ۱۰. پروین اعتصامی ..... ۲۶۱
- زندگی شاعر (۲۶۱). نمونه شعر: گوهر اشک (۲۶۲). تحلیلی از شعرها (۲۶۴)
- فصل ۱۱. سید محمد حسین شهریار ..... ۲۶۹
- زندگی شاعر (۲۶۹). نمونه شعر: سه‌تار من (۲۷۰). تحلیلی از شعرها (۲۷۱)
- فصل ۱۲. رهی معیری ..... ۲۷۹
- زندگی شاعر (۲۷۹). نمونه شعر: غباری در بیابان (۲۸۰). تحلیلی از شعرها (۲۸۰)



- فصل ۱۳. گلچین گیلانی. .... ۲۸۹  
 زندگی شاعر (۲۸۹)، نمونه شعر: باران (۲۹۰)، تحلیلی از شعرها (۲۹۶)
- فصل ۱۴. مهدی حمیدی شیرازی ..... ۳۰۱  
 زندگی شاعر (۳۰۱)، نمونه شعر: مرگ قو (۳۰۲)، تحلیلی از شعرها (۳۰۳)
- فصل ۱۵. فریدون توللی ..... ۳۱۷  
 زندگی شاعر (۳۱۷)، نمونه شعر: کارون (۳۱۸)، تحلیلی از شعرها (۳۲۰)
- فصل ۱۶. احمد شاملو ..... ۳۲۹  
 زندگی شاعر (۳۲۹)، نمونه شعر: پریا (۳۳۱)، تحلیلی از شعرها (۳۳۸)
- فصل ۱۷. سیاوش کسرای ..... ۳۴۹  
 زندگی شاعر (۳۴۹)، نمونه شعر: آرش کمانگیر (۳۵۰)، تحلیلی از شعرها (۳۵۳)
- فصل ۱۸. فریدون مشیری ..... ۳۶۳  
 زندگی شاعر (۳۶۳)، نمونه شعر: کوچه (۳۶۵)، تحلیلی از شعرها (۳۶۷)
- فصل ۱۹. سیمین بهبهانی ..... ۳۷۵  
 زندگی شاعر (۳۷۵)، نمونه شعر: دوباره می‌سازمت وطن (۳۷۸)، تحلیلی از شعرها (۳۷۹)
- فصل ۲۰. نصرت رحمانی ..... ۳۸۹  
 زندگی شاعر (۳۸۹)، نمونه شعر: مرد بی‌سر (۳۹۰)، تحلیلی از شعرها (۳۹۲)
- فصل ۲۱. مهدی اخوان ثالث ..... ۳۹۹  
 زندگی شاعر (۳۹۹)، نمونه شعر: زمستان (۴۰۰)، تحلیلی از شعرها (۴۰۲)
- فصل ۲۲. سهراب سپهری ..... ۴۱۱  
 زندگی شاعر (۴۱۱)، نمونه شعر: و پیامی در راه (۴۱۳)، تحلیلی از شعرها (۴۱۴)
- فصل ۲۳. نادر نادرپور ..... ۴۲۵  
 زندگی شاعر (۴۲۵)، نمونه شعر: بُت‌تراش (۴۲۷)، تحلیلی از شعرها (۴۲۸)
- فصل ۲۴. منوچهر آتشی ..... ۴۳۷  
 زندگی شاعر (۴۳۷)، نمونه شعر: خنجرها، بوسه‌ها و پیمان‌ها (۴۳۸)، تحلیلی از شعرها (۴۴۲)
- فصل ۲۵. فروغ فرخزاد ..... ۴۴۹  
 زندگی شاعر (۴۴۹)، نمونه شعر: آن روزها (۴۵۰)، تحلیلی از شعرها (۴۵۴)
- پایان سخن ..... ۴۶۳
- فهرست نام کسان ..... ۴۷۱
- فهرست نام کتاب‌ها ..... ۴۹۷
- فهرست نام نشریه‌ها ..... ۵۰۵



## پیش سخن

«من به باستان‌شناسان اعتقادی ندارم  
وقتی یکی از ایشان، در چند هزار سال دیگر  
بر ساحلی که نشانی از انسان ندارد  
میان ویرانه‌هایی که روزگاری مایهٔ سرفرازی بوده است  
استخوان خشکی می‌یابد  
که از کالبد من است،  
چگونه خواهد دانست که این استخوان  
در شراره‌های قرن بیستم سوخته است؟<sup>۱</sup>  
(آی تسینگ، شاعر چینی)

\* این کتاب، «مقدمه‌ای» است بر «شعر فارسی در سدهٔ بیستم میلادی».  
\* «مقدمه» به این معنی است که کتاب حاضر در حکم دریچه‌ای است خُرد به موضوع.  
به عبارت دیگر، نمی‌توان از آن انتظار کامل بودن داشت.  
\* البته، مؤلف، در حدّ توان خود، کوشیده است تا خطوط اصلی جریان‌های شعری  
فارسی در سدهٔ بیستم میلادی را به فشردگی باز گوید.  
\* «شعر فارسی» نیز اشاره دارد به شعر فارسی در ایران یا در میان ایرانیان، و نه در  
دیگر قلمروهای زبان فارسی، مانند افغانستان، تاجیکستان، آسیای مرکزی یا  
شبه‌قارهٔ هند.

---

۱. هفتاد سخن (ج ۴، پرویز ناتل خانلری، توس، ۱۳۷۰، صص ۳۷۵ - ۳۷۴).  
ناتل خانلری این شعر را از ترجمهٔ فرانسوی آن به فارسی برگردانده است. شاید، گویندهٔ شعر  
همان باشد که در زبان انگلیسی با املاء Ai Quing (۱۹۹۶ - ۱۹۱۰)، شاعر نامور چینی) شناخته  
شده است.

\* دوره زمانی این کتاب، از آغاز انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ / ۱۹۰۶)، اواخر دوره قاجار) تا آغاز ریاست جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۷۶ / ۱۹۹۷)، دوره جمهوری اسلامی) منطبق است با اوایل تا اواخر سده بیستم میلادی. از این رو، با وجود رسمیت نداشتن تقویم مسیحی در ایران، خود را ناگزیر از این تعبیر یافتیم. از کسانی که ممکن است به لحاظ شئون ملی و سنت‌های ایرانی این نکته را ناپسند بدانند، پوزش می‌خواهم.

\* البته، از شعر فارسی در نیمه دوم سده هیجدهم و سراسر سده نوزدهم میلادی، به عنوان نزدیک‌ترین دوره به سده بیستم میلادی، هم به اختصار یاد شده است.

\* درباره شعر فارسی در ربع پایانی سده بیستم میلادی نیز تحلیل‌ها بسیار مختصر است. چرا که جریان جدید شعر و شاعران این دوره، در سده بیست و یکم میلادی استمرار یافته است. یعنی بحث درباره آن از حیطه تاریخی کتاب کنونی فراتر رفته است. به همین سبب، به استثناء یک تن، از شاعران تولد یافته در دهه ۱۳۴۰ / ۱۹۶۰ و پس از آن یادی به میان نیامده است.

\* در بخش تاریخ ادبی، در ذیل شش دوره / فصل، و هر یک مشتمل بر چند مبحث، به تحلیلی تاریخی - جریان‌شناختی و تا حدی موضوعی از سیر شعر فارسی در دوره مورد بحث پرداخته‌ام.

\* به سبب اهمیت تاریخی جریان‌های نوگرا در شعر فارسی دهه‌های ۱۳۳۰-۱۲۷۰، آن‌ها با دقت و تفصیل بیش‌تری مورد بحث قرار گرفته است.

\* نوع ساختار فشرده کتاب، به من اجازه نمی‌داد تا از همه شاعران ایران در سده بیستم میلادی نام بَرَم یا به شعرهایشان اشاره کنم. ضمن ادای احترام و ادب به این گویندگان، از آنان یا دوستدارانشان، با اخلاص پوزش می‌خواهم.

\* در بخش سوم، زندگی و آثار بیست و پنج شاعر ایرانی در سده مورد بحث، از گرایش‌های سنتی، نیمه‌سنتی، نو سنتی و نو، هر یک در ذیل سه قسمت «زندگی شاعر + نمونه شعر + تحلیلی از شعرها» شناسایی و بررسی شده است.

\* ملاک اصلی انتخاب این شاعران آن بوده که آثارشان، یا دست کم بخشی از آن‌ها، با توجه به گرایش، توانایی و ابتکار ادبی آنان، از قلمرو خوانندگان بسیار خاص بیرون رفته و به نفوذ یا تأثیر نسبی دست یافته باشد. ملاک دیگر آن بوده که این گویندگان همه شعرهایشان را سروده و به دیار خاموشان پیوسته باشند.

\* طبقه‌بندی این بیست و پنج گوینده، از نظر ادوار شاعری‌شان، شاید از قرار زیر باشد: اواخر دوره قاجار و مشروطه (هشت تن) + دوره رضاشاه (چهار تن) + دوره

نوست گرایبی اعتدالی یا تجدّد در سنت (پنج تن) + دوره‌نوگرایی (هشت تن).  
\* با توجه به حضور اغلب این شاعران در چند دوره تاریخی سده بیستم میلادی، امکان توزیع آنان در ذیل پنج دوره مورد تأکید کتاب وجود نداشت. از این رو، تحلیل مستقل از آثارشان، البته، به ترتیب سنّ و تجربه‌های شعری، به پایان کتاب انتقال یافت.

\* درباره این بیست و پنج شاعر در ۲۵ فصل، کوششم بر آن بوده است تا به تبیین و تحلیل نکته‌های اساسی درباره آنان بپردازم. یعنی از ورود به بحث‌های فرعی خودداری ورزم. امیدوارم این کار، مصداق این تعبیر صائب تبریزی قرار گرفته باشد: «فصیل‌ها پنهان شده در پرده اجمال‌ها». امیدوارم.

\* علاوه بر این، بسیار کوشیدم تا این ۲۵ فصل، تا حد امکان، همگن و متوازن از آب در آید. اما می‌دانم که با توجه به نوع شعاع کلام بیست و پنج شاعر مورد بحث، در عمل، چنین کاری، به نحو کامل امکان‌پذیر نبود. چراکه برآورد دقیق و صحیح از آثار شماری از این شاعران (مانند مهدی حمیدی شیرازی) بسیار کار دشواری است. این نکته، سبب شده تا حجم فصل‌ها درباره چند تن از گویندگان، تفاوت‌هایی با هم داشته باشد.

\* توزیع جغرافیایی شاعرانی که در بخش دوم کتاب از آنان یاد شده، نشان از مشارکت همه استان‌ها و منطقه‌های ایران در شکل‌گیری شعر فارسی این سده دارد. این نکته، کمابیش، در محلّ تولّد ۲۵ شاعری که در بخش سوم کتاب به تفصیل، به آنان پرداخته شده نیز هویدا است: تهران (۷ شاعر)، تبریز (۳ شاعر)، قزوین (۲ شاعر)، مشهد (۲ شاعر)، شیراز (۲ شاعر)، فراهان اراک (۱ شاعر)، کرمانشاه (۱ شاعر)، یزد (۱ شاعر)، همدان (۱ شاعر)، نور مازندران (۱ شاعر)، رشت (۱ شاعر)، اصفهان (۱ شاعر)، کاشان (۱ شاعر)، بوشهر (۱ شاعر).

\* در این تألیف، شاید از یک نگاه، سنجش / نقد بر پژوهش پیشی گرفته باشد. البته، روش اتخاذ شده برای این کتاب، روشی تحلیلی بوده است و نه تحقیقی صرف. هر چند، شاید - فقط شاید - بتوان آن را «حاصلی» پژوهش‌های پیشین مؤلف در این موضوع / رشته دانست.

\* از این رو، نقل قول‌ها در کتاب حاضر به صورت حدّاقلی است. اندک ارجاع‌ها در ذیل همان صفحه قرار دارد. از ارجاع به صفحه دفتر و دیوان شاعر هم خودداری شده است. همچنین به بخشی از کتاب‌ها، به ویژه، نشریه‌ها، در متن کتاب حاضر اشاره شده است. بدین ترتیب، مناسب‌تر آن بود که به جای فهرست منابع و مآخذ،

فهرست کامل نام‌های کسان، و نیز نشریه‌ها و کتاب‌ها در پایان تألیف به دست داده شود. این فهرست شامل منابع و مأخذِ درون و برون متن کتاب هم می‌شود.

\* در شناخت و تحلیل شعر، با توجه به ذات سیّال و وجه شهودی کلام شعری، گذر از ذهنیت‌گرایی و ورود به قلمرویی عینی کار آسانی نیست. در حدّ توان خود، از دست و پنجه نرم‌کردن با این نکته، و نیز مشکل نظم و انتظام زبان در تحلیل، بررسی و نقد ادبی ایران عصر تجدّد، خودداری نورزیده‌ام.

\* شعر فارسی در سده بیستم میلادی مجموعه‌ای است بس متنوع و ناهمگن؛ از سنت‌گرایان قافیه‌اندیش تا نوگرایان نثرنویس. امیدوارم در پرداختن به این مجموعه عجیب، هم از اعتدال و انصاف دور نمانده و هم به لُکنت و تمجیح گرفتار نشده باشم.

\* کوشیده‌ام تا در بیان تحلیل‌ها و آرای ادبی، در حدّ فاصل دو گرایش «وسعت مشرب» و «ضیق مشرب» یا «گشاده‌دستی» و «تنگ نظری» یا به تعبیر یکی از پژوهشگران، «تقریظ مسامحه‌آمیز» و «تعریض عاری از انصاف»<sup>۱</sup> قرار گیرم.

\* البته، روایت‌هایی که از همه یا بخش‌هایی از شعر فارسی در عصر تجدّد وجود دارد، اندک نیست. مؤلف کتاب حاضر، در روایت خود بنا را بر شکل غالب / چیره (dominant) در هر دوره گذاشته است. اما در همان حال، از اشاره به شکل‌های دیگر، یعنی تجربه‌ها و گرایش‌هایی که به مخاطبان خاصّ تکیه دارد، چشم‌پوشیده است.

\* در شماری از فصل‌ها و قسمت‌ها، از کتاب‌ها و مقاله‌هایم، البته متناسب با ساختار کتاب حاضر بهره برده‌ام. ارجاع به این کتاب‌ها و مقاله‌ها را، تا حدّ امکان، از یاد نبرده‌ام.

\* روایت نخستین این کتاب مربوط است به سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۲. اما نشر آن به دو دلیل شخصی و غیرشخصی در میهن عزیز به تعویق افتاد.<sup>۲</sup> روایت کنونی، حاصل ویرایش، مطالعه و بررسی‌های بعدی مؤلف است.

\* در هنگام تألیف روایت نخست، در چند نکته از بحث‌های محلّ نزاع تاریخی،

۱. از گذشته ادبی ایران (عبدالحسین زرّین کوب، الهدی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۴).

۲. البته، ویرایش کوتاه شده بخش تاریخ ادبی آن ذیل همین عنوان (مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده بیستم میلادی، دانشگاه اوساکا: ژاپن، ۲۰۱۱، ص ۱۳۴) با تأیید و لطف سه تن از ایران‌پژوهان ژاپنی (شیگه نوموری، یوکو فوجیموتو و شین تاکه‌هارا) نشر یافت.

فرهنگی و ادبی با چهارتن از دانشوران و استادان صاحب نظر ایران، از چند گرایش، مشورت‌هایی کردم: ناصر وثوقی، ایرج افشار، کریم امامی و کامران فانی. با درود به روان آن سه استاد، برای این یک طول عمر آرزو می‌کنم.

\* برتراند راسل، فیلسوف نامور انگلیسی می‌گفت آنچه می‌دانیم «علم»، و آنچه نمی‌دانیم «فلسفه» است. درباره «شعر» چه می‌توانیم بگوییم جز آن که امیدوار باشیم آنچه در قلمرو کلام، «حس» می‌کنیم، «شعر» باشد. از این رو، فقط باید آرزو داشته باشیم که آنچه ذیل عنوان‌هایی از قبیل «نقد، تحقیق، تحلیل، نظریه پردازی و تاریخ‌نگاری» درباره «شعر» می‌خوانیم، اندکی به «شناخت» این «حس» یاری رساند.

\* بدین ترتیب، امیدست این روایت مختصر از شعر فارسی در - به تعبیر شاعر چینی - «شراه‌های قرن بیستم»، پیش از آن که به بایگانی‌های عظیم راکد یا نیمه‌راکد تاریخ فرهنگی ایران سپرده شود، از مطالعه یا مرور شماری از علاقه‌مندان ادبی و فرهنگی بی‌بهره نماند - که به بیان گوینده ایرانی: «به کارگاه امل، هر چه بود، کاری بود»!

کامیار عابدی شال

زمستان ۱۳۹۲، اوساکای ژاپن





بخش نخست: چشم‌اندازی سیاسی و اجتماعی از ایران



## ۱. پس از حکومت صفوی<sup>۱</sup>

«باغ پریشان و سرو و کاج، پریشان  
ملک پریشان و تخت و تاج پریشان»  
(فتح‌الله‌خان شییبانی)

الف) پس از آن که چراغ عمر حکومت صفوی در نیمه سده دوازدهم قمری / نیمه سده هیجدهم میلادی به خاموشی گرایید، ایران آرامش نسبی خود را تا مدّت‌ها از دست داد. بی تردید، در سال‌هایی از حکومت‌های کوتاه‌مدّت نادرشاه افشار و کریم‌خان زند، نظم اجتماعی و سیاسی محدود و مشخصی برقرار شد. امّا در مجموع، وضعیت کشور، پس از سقوط اصفهان، پایتخت صفویان، تاروی کارآمدن آغامحمّدخان، از ایل قاجار، در ناامنی و نابسامانی فرو رفته بود. وی با شدّت عمل، بهره‌یابی از زیرکی و اقتدار نظامی، و سیاست‌های خاصّ خود، در زمانی اندک، حوزه حکومت ایلش را گسترده کرد. آغامحمّدخان، در تهران، که در آن هنگام دهکده‌ای بزرگ در کنار شهر ری بیش‌تر نبود، بر تخت نشست. با این همه، قتل نابهنگام وی در اواخر سده هیجدهم میلادی، نظم و آرامش جدید را اندکی به پس راند.

ب) برادرزاده آغامحمّدخان با عنوان فتحعلی‌شاه جانشین او شد. در دوره فتحعلی‌شاه، بخش عمده‌ای از قلمرو یا ایالت‌های شمالی ایران در قفقاز، از گرجستان تا آران، به سبب جنگ با روسیه، از دست رفت. با این همه، پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه در رُبُع نخست سده نوزدهم میلادی آرامشی نسبی پدید

---

۱. در تألیف این فصل، از بخش آغازین تألیفم با عنوان *صویراسرافیل و علی‌اکبر دهخدا* (کتاب نادر، ۱۳۷۹) بهره برده‌ام.

آمد. ایران در روزگار این پادشاه با شماری از کشورهای اروپایی ارتباط مستقیم یافت. در واقع، در این دوره، حکومت ایران با چند کشور اروپایی وارد مذاکره، مصالحه یا ستیز شد. البته، از همه آن‌ها جز زیان عاید نشد.

(پ) یک سال پیش از درگذشت فتحعلی‌شاه، ولی‌عهد کاردان و دلسوزش، عباس میرزا در مشهد زندگی را بدرود گفت. او شاید نخستین شخصیت سیاسی در ایران بود که برای آموختن دانش‌ها و صنایع جدید، شاگرد به فرنگ فرستاد. اما اصلاحاتی که او و دستیار هوشمندش، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی در پی‌ریزی آن کوشیدند، ناتمام ماند. فرزند عباس میرزا به نام محمدشاه جانشین پدر بزرگ شد. به دستور وی قائم‌مقام به قتل رسید. محمدشاه آموزگار و مرشد عجیب و به تعبیری نامربوط خود، میرزا عباس ماکویی ابروانی، مشهور به حاج میرزا آغاسی، را بر سریر وزارت نشانند. محمد شاه برخی طغیان‌های داخلی را از سر گذراند. اما ضعف نظامی و سیاسی ایران در دوره او سبب جدایی هرات از ایران شد.

(ت) فرزند عباس میرزا فقط چهارده سال پادشاهی کرد. عمرش کوتاه بود. پسرش ناصرالدین شاه، در نوجوانی جانشین پدر شد. وی به یاری دولتمردی دوران‌دیش و اصلاح‌طلب، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، به قدرت رسید. اما متأثر از تلقین برخی پیرامونیان، از جمله مادرش، مهدعلیا، فرمان قتل این سیاستمدار برجسته را امضا کرد. در دوره ناصرالدین شاه، که حدود نیم سده طول کشید و به عصر ناصری هم موسوم شد، انگلستان و روسیه با اندیشیدن به توازن سیاسی، در مجموع، مرزهای سیاسی ایران را به رسمیت شناختند. البته، در برابر آن، امتیازهای اقتصادی فراوانی هم از ایران گرفتند. از این‌رو، این دوره را گاه، دوره امتیاز برای فرنگی‌ها هم دانسته‌اند.

(ث) در همان حال، باید نیم‌سده حکومت ناصرالدین شاه را زمانه تکاپوهای اصلاح‌طلبانه نیز دانست. هر چند، هم آرزوهای امیرکبیر، هم تکاپوهای میرزا-حسین خان سپهسالار و هم برخی تکاپوهای محدودتر دیگران، به سبب وضعیت استبدادی مستقر، به شکست انجامید. حتی، شاید بتوان گفت که شاه‌عشرت‌پسند، خود نیز از اندیشه برخی اصلاحات تهی نبود. اما او، که سه بار به فرنگ سفر کرد و از مغرب‌زمین جلوه‌هایی را شناخت، ترجیح داد تا در مقابل انگلستان و روسیه سکوت و مُماشات پیشه کند. صرف‌نظر از آغامحمدخان، وی باهوش‌ترین پادشاه

قاجار بود. اما گذشته از برخی تکاپوهای مختصر، صلاح کار خود را در آن می‌دید که در برهمن پاشنه قدیم بچرخد. به عبارت دیگر، ناصرالدین شاه از تباهی حکومتش آگاه بود. اما می‌کوشید تا آن را نادیده گیرد. چرا که خود او جزئی / جزوی از این تباهی بود.

ج) با این همه، ریشه بسیاری از رخداد‌های پُراهمیتی که در ایران سده بعد شکل گرفت، در دوره پادشاهی او، یعنی نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، قرار دارد: تأسیس مدرسه دارالفنون، گسترش آموزشگاه‌های جدید، رفتن ایرانیان به فرنگ برای سیاحت یا تحصیل، فزونی ارتباط با کشورهای اروپایی، گسترش صنعت چاپ و نشر کتاب و روزنامه، برپاشدن انجمن‌های «پیدا و پنهان» با هدف‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و مانند آن‌ها. گذشته از آن، نشر آراء و آثار دانشوران و قلمزنانی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طالب‌اف، میرزا زین‌العابدین مراغه‌ای درخور اهمیت است. البته، بیش‌تر زندگی این گروه در بیرون از مرزهای ایران، یعنی در قفقاز، عثمانی، اروپا و منطقه‌های دیگر گذشت. قطع نظر از برخی آراء و تماس‌های پراکنده ایرانیان مرتبط با غرب از اواخر دوره صفوی تا اوایل دوره قاجار، کسان مورد اشاره و چند تن دیگر، هر یک در مرتبه و عقیده خاص خویش، از جمله نخستین اندیشدگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در پیوند با غرب محسوب می‌شوند. آنان با تأکید بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و علاقه به تأسیس نهادهای فرهنگی و مخالفت با حکومت استبدادی، نقشی در آگاهی‌بخشی و بیداری جامعه سنت‌زده ایران داشتند. با این همه، تأثیر دانشوران یا مدیران فرهنگی درون حکومتی نیز (مانند علی‌قلی‌خان اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان فروغی: ذکاءالملک اول) با گرایش غالب ترجمه و تا حدی تحقیق، در راه دگرگونی‌های تدریجی‌تر جامعه ایران درخور نادیده گرفتن نیست.